

درس اول پایه دوازدهم

واژه نامه

عَقَلَ: خرد ورزی کرد	حَرَقَ: سوزاند	أَحْضَرَ: آورد، حاضر کرد
عَلَّقَ: آویخت	الْحَطَّ: بخت (جمع: الحُطُوظ)	الأَصْنَام: بتها «مفرد: الصَّنَم»
الْفَأْس: تبر «جمع: الفُؤوس»	حَمَّلَ: تحمیل کرد	أَعَانَ: یاری
الْقَرَابِين: قربانی‌ها «مفرد: القُرْبَان»	حَمَى: حمایت	کرد (مضارع: يُعِينُ / امر: أَعِن)
القرآن: خواندن	کرد (يَحْمِي / امر: اِحْم)	أَعْنَى: مرا یاری کن
قَبِلَ: گفته شد	إِحْمِنِي: از من حمایت کن	أَقِمْ وَجْهَكَ: روی بیاور
الْكَيْف، الْكَيْفِ: شانه «جمع»	الْحَنِيف: یکتاپرست	(ماضی: أَقَامَ / مضارع: يُقِيمُ)
الْأَكْتاف «	الدَّاء: بیماری = المَرَض	أُنِر: روشن کن (أَنَارَ يُنِيرُ)
كَسَرَ: شکست	الْسُدَى: بیهوده و پوچ	الإنشراح: شادمانی
لَا تَكُونَنَّ: هرگز نباش «لا تَكُنْ»	السَّلَام: صلح، آشتی	الأنشودة: سرود (جمع: الأناشید)
نباش + حرف تأکید نَنَّ ←	سوی: به جز	بَدَّوْا يَتَهَامَسُونَ: شروع به پیج پیج
(ماضی: كَانَ / مضارع: يَكُونُ)	السَّيْرَةَ: روش و کردار،	کردند
ما یلی: آنچه می آید	سرگذشت	(ماضی: تَهَامَسَ / مضارع: يَتَهَامَسُ)
المُجِيب: برآورنده	الشَّعَائِر: مراسم	البَسْمَات: لبخندها (مفرد: البَسْمَة)
المَفْسَدَة: مایه تباهی	الصَّرَاع: کشمکش = النِّزَاع ≠	الْبَعَث: رستاخیز
النَّقُوش: کنده کاری‌ها، نگاره‌ها	السَّلَم	البُنیان المَرصوص: ساختمان استوار
«مفرد: النَّقْش»	الطَّيْن: گل	التَّجَنَّب: دوری کردن
	العَصَب: بی	(ماضی: تَجَنَّبَ / مضارع: يَتَجَنَّبُ)
	العَظْم: استخوان (جمع: العِظَام)	

الحروف المشبهة بالفعل

حروف مشبّهة بالفعل حروفی هستند که بر سر جمله اسمیه وارد می شوند و در معنا تغییراتی ایجاد می کنند.

الفخر بالأدب ← الفخر بالأدب

افتخار به ادب است ← انا افتخار به ادب است.

به جدول زیر دقت کنید:

ترجمه	مثال	حروف مشبّهة بالفعل
همانا بعضی گمانها گناه است.	إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ	إِنَّ: قطعاً، همانا، به درستی که، بی گمان
مپندار که موفقیت از آسمان آماده فرود می آید.	لَا تَحْسَبَنَّ أَنَّ النَّجَاحَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ جَاهِزاً	أَنَّ: که
گویا خشنود داشتن همه مردم هدفی است که به دست نمی آید	كَأَنَّ إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ	كَأَنَّ: گویی، مانند
اما مردم خود بر خویشتن ستم می کنند	لَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ	لَكِنَّ: ولی، اما
کاش مردم متحد شوند.	أَيُّتِ النَّاسَ يَتَّحِدُونَ	أَيُّتِ: کاش یا آیت: ای کاش
شاید گنهکار به سوی پروردگارش توبه کند.	لَعَلَّ الْمُذْنِبَ يَتُوبُ إِلَى رَبِّهِ	لَعَلَّ: شاید، امید است

چند نکته

۱- میتوان «إِنَّ» را در جمله ترجمه نکرد.

مثال: 

إِنَّ النَّمْلَ حَشْرَةٌ صَغِيرَةٌ

مورچه حشره کوچکی است.

۲- فعل مضارع بعد از آیت و لَعَلَّ را مضارع التزامی ترجمه می کنیم.



أَيَّتْ الْأَغْنِيَاءَ يُنْفِقُونَ الْمَالَ عَلَى الْفُقَرَاءِ: كاش ثروتمندان بر فقیران مال انفاق کنند.

لَعَلَّ شِبَابَنَا يَنْجَحُونَ فِي الْمَسَابِقَاتِ الْعِلْمِيَّةِ: امید است که جوانانمان در مسابقات علمی موفق بشوند.

۳- فعل ماضی بعد از آیت را با توجه به سیاق جمله ماضی استمراری یا ماضی بعید ترجمه می کنیم.



أَيَّتْ الطَّالِبِ أَدْرَكَ قِيَمَةَ الْوَقْتِ: کاش دانش آموز قدر وقت را می دانست. (یا دانسته بود)

بیشتر بدانیم:

زمانی که به «إِنَّ»، «مَا» متصل شود در اینصورت معنای حصر پیدا کرده و (فقط، تنها) ترجمه میشود.



وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ

هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر می کند.

إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَاقِلٍ ثَابِتٍ

افتخار فقط به اندیشه ای ثابت است.

لا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ

قبل از معرفی لای نفی جنس، مروری بر انواع لا داشته باشیم:

انواع لا

نوع لا	کاربرد	مثال	ترجمه
۱- لای جواب	بعد از جملات سؤالی با هَلْ یا أ	هَلْ يُحِبُّ النَّاسُ الْإِنْسَانَ الْكَاذِبَ؟ لا	آیا مردم، شخص دروغگو را دوست دارند؟ نه

آن را احدی جز خداوند نمی داند.	لا يَعْلَمُهَا أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ	قبل از فعل مضارع آمده آن را منفی میکند و تأثیری در ظاهر فعل ایجاد نمی کند.	۲- لای نفی مضارع
سربلندی را در مال طلب نکنید.	لا تَطْلُبُوا الْعِزَّةَ فِي الْمَالِ	قبل از فعل مضارع آمده، در انتهای آن تغییر ایجاد می کند.	۳- لای نهی
هیچ کاری همچون تحقیق نیست.	لا عَمَلَ كَالْتَحْقِيقِ	قبل از اسم نکره (فتحه دار و بدون تنوین) آمده و به معنای «هیچ» است.	۴- لای نفی جنس

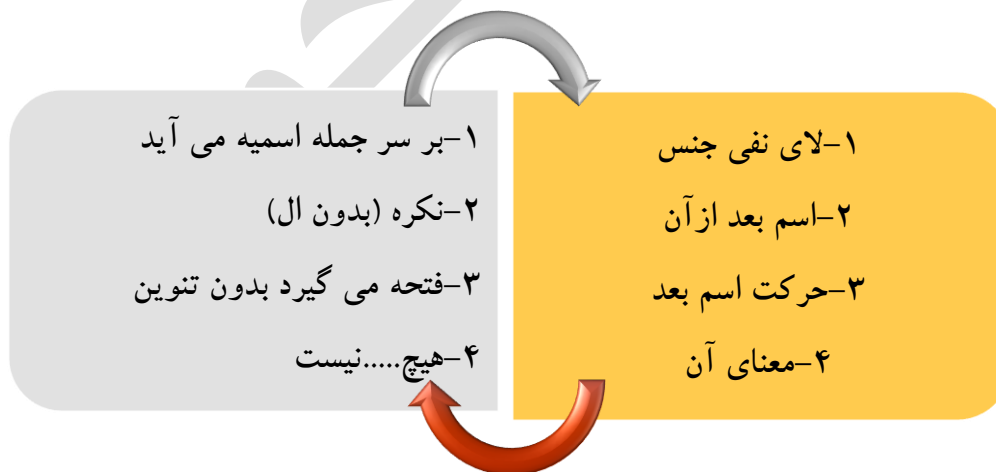


اگر بعد از لای نهی فعل اول شخص یا سوم شخص مفرد یا جمع بیاید (غایب ها یا متکلم ها) در ترجمه آن، «نباید» می آوریم و به صورت مضارع التزامی ترجمه می کنیم.

لا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

نباید مؤمنان، کافران را به دوستی بگیرند.

ویژگیهای لای نفی جنس



لا فقر كالجَهل و لا میراث كالأدب

هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی همچون ادب نیست.

۱

"يجب أن نسمح لأصدقائنا أن يطرحوا علينا مشاكل حياتهم لعلنا نستطيع أن نزيلها!":

- ۱) واجب است از دوستانمان بخواهیم که مشکلات زندگی را برای ما بیان کنند شاید بتوانیم آن‌ها را حل نماییم!
- ۲) ما به دوستان خود اجازه می‌دهیم که با مطرح کردن مشکلات زندگی خود با ما، بتوانیم آن‌ها را از بین ببریم!
- ۳) باید به دوستان خود اجازه دهیم مشکلات زندگی خود را با ما مطرح کنند شاید بتوانیم آن‌ها را برطرف کنیم!
- ۴) بر ما واجب است اجازه مطرح کردن مشکلات را به دوستان خود بدهیم امید است که بتوانیم آن‌ها را زایل کنیم!

۲

"ليتنا ندرک جمال الطبيعة التي تتزيّن في الربيع باللباس الأخضر حتى نسبح خالقها!":

- ۱) امید است که ما درک کنیم زیبایی طبیعت را که در بهار با لباس سبز آراسته می‌شود تا آفریدگارش تسبیح شود!
- ۲) کاش ما طبیعت زیبایی را که در بهار با لباس سبز آراسته می‌شود درک می‌کردیم و آفریدگارش را تسبیح می‌کردیم!
- ۳) ای کاش زیبایی طبیعتی را که در بهار با لباس سبز آراسته می‌شود درک کنیم تا آفریننده‌اش را تسبیح بگوییم!
- ۴) آرزوی ما درک کردن زیبایی طبیعتی است که در بهار با لباس سبز آراسته می‌شود تا بتوانیم خالقش را تسبیح کنیم!

۳

"لا غنى كالعلم و لا شيء أضرّ من الجهل!":

- ۱) هیچ ثروتمندی همچون دانشمند نیست و هیچ چیزی از نادانی مضرتر نیست!
- ۲) ثروتی همچون دانش وجود ندارد و هیچ چیزی همچون نادانی آسیب نمی‌رساند!
- ۳) هیچ ثروتی همچون علم نیست و هیچ چیزی از نادانی مضرتر نیست!
- ۴) هیچ بی‌نیازی همچون علم نیست و هیچ چیزی همچون جهل ضرر نمی‌رساند!

۴

عَيْنَ عبارة لَيْسَ مِنَ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ.

- ۱) كان يمشى في مسالك عجيبة ف وقعت عينه على شجرة أجمل من كل شيء!
- ۲) على الإنسان أن يكون سائراً نحو الرشد و الكمال فَإِنَّهُ بِحَاجَةٍ إِلَى هَذِينَ الْأَمْرَيْنِ دَائِماً!
- ۳) إن تكن سريرتك و علائتيك لنا واحدة فأنت صديقة لنا!
- ۴) الطّبي كَانَتْ حَيوان شاعر يعرف الطبيعة و جمالها و يعشقها!

۵

عَيْنَ "لا" النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ:

- ۱) الَّذِي لَا يَعْمَلُ بَجَدِّ لَنْ يَرَى النَّجَاحَ فِي حَيَاتِهِ!
- ۲) تَسَلَّمْتُ عَلَى صَدِيقِي لَا عَلَى جَمِيعِ الْحَاضِرِينَ!
- ۳) يَجِبُ أَنْ نَعْتَرِفَ بِأَنَّه لَا نَفْعَ فِي مُجَالَسَةِ الْجَهَّالِ!
- ۴) إِنَّ أَخَاهُ لِابْدِرُسَ فِي النَّبِيتِ، بَلْ فِي الْمَدْرَسَةِ!

- ١) لَعَلَّنَا نُثَبِتُ قُدْرَاتِنَا لِلْجَمِيعِ مَعَ تَنَافُسٍ سَلِيمٍ! اَمِيدِ اسْتِ مَا بَا رِقَابَتِي سَالِمٍ تَوَانِمِنْدِي هَايْمَانِ رَا بَرِ هَمْگَانِ ثَابِتِ كَنِيم!
- ٢) لَيْتَنَّا نَعْرِفَ قِيَمَةَ الْجَوِّ الصَّافِي وَ نُسَاعِدَ عَلَي تَنْقِيَتِهِ أَكْثَرَ مِنْ هَذَا! اِي كَاشِ مَا ارْزَشِ هَوَايِ پَاكِ رَا مِي شَنَاخْتِيمِ وَ بِيَشْتَرِ از اَيْنِ دَرِ حَفْظِ اَنِ مِي كُوشِيْدِيم!
- ٣) لَاتَقَدَّمْ لِمَنْ لَيْسَ سَاعِيًّا فِي عَمَلِهِ وَ يُحَاكِي الْاٰخِرِيْنَ دَائِمًا! اَن كِه دَر كَارِ خُوِيْشِ كُوشَا نِيَسْتِ وَ هَمِيْشِه از دِيْگَرَانِ تَقْلِيْدِ مِي نَمَايْدِ، بِيَشْرَفْتِ نَمِي كَنْدَا!
- ٤) كَاَنَّ الشَّمْسِ كَرَةً مُلْتَهَبَةً تَحْتَ قُبَّةٍ مَرْفُوعَةٍ فَوْقَ رُؤُوسِنَا! اِنْگَارِ خُورَشِيْدِ گُويِ فَرْوَزَانِ دَرِ زِيْرِ گَنْبِ دَرِ اَفْرَاشْتَهٗ بِالَايِ سَرِ مَاسْتِ!

عَبِّنِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ.

- ١) كَانَ
٢) صَارَ
٣) كَانَتْ
٤) لَيْسَ

مَا هُوَ الْمُنَاسِبُ لِلْفَرَاعَاتِ: "سُدِيٌّ - اَلْحَنِيفُ - اَلْفَاسُ - الصَّنَمُ"
 (الف) لَايَتْرَكَ اللهُ الْاِنْسَانَ:
 (ب) اَلتَّارِكُ لِلبَاطِلِ وَ اَلْمُتَمَائِلُ اِلَى الدِّينِ الْحَقِّ:
 (ج) اَللَّهُ ذَاتُ يَدٍ وَ سِنٍّ مِّنَ الْحَدِيدِ يُقَطِّعُ بِهَا:
 (د) تَقْتَالُ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللهِ:

- ١) الف) سُدِيٌّ / ب) اَلْفَاسُ
٢) الف) سُدِيٌّ / ب) الصَّنَمُ
٣) ب) اَلْحَنِيفُ / د) الصَّنَمُ
٤) ج) الصَّنَمُ / الف) اَلْحَنِيفُ

(... لَا عِلْمَ لَنَا اِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا...)

- ١) فقط آنچه را که به ما یاد داده‌ای، دانش داریم.
٢) جز آنچه یاد گرفته‌ایم، هیچ دانشی برای ما نیست.
٣) جز آنچه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی برای ما نیست.
٤) جز دانشی که فراگرفته‌ایم، هیچ علم دیگری نداریم.

(و لَا تَسُبُّوا الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ دُونِ اللهِ فَيَسُبُّوا اللهَ...)

- ١) و نباید به کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام بدهید زیرا که آن‌ها به خدا دشنام دهند!
٢) و کسانی را که غیر خدا را فرامی‌خوانند دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام دهند!
٣) و کسانی را که غیر خدا را فرامی‌خوانند نباید دشنام بدهید زیرا که به خدای شما دشنام می‌دهند!
٤) و کسانی را که غیر خدا فراخوانده‌اند مورد دشنام قرار ندهید تا خدای شما را دشنام ندهند!

بَعْضُ التَّجَارِبِ وَ اِنْ كَانَتْ قَلِيْلَةً وَلَكِنَّهَا مَفِيْدَةٌ لَنَا جَدًّا!

- ١) بعضی تجربه‌ها هرچند اندک باشند، ولی برای ما بسیار مفید هستند!
٢) بعضی تجربه‌ها اگرچه کم به نظر برسند، اما فواید زیادی برای ما دارند!
٣) برخی تجربیات که کم به نظر می‌رسند، برای ما فواید بی‌شماری دربردارند!
٤) برخی تجربیات با وجود اندک بودن، فایدهٔ آن‌ها برای ما بسیار زیاد خواهد بود!

- (١) الصَّنَمُ وَ تَمْتَالُ مِنْ حَجَرٍ أَوْ حَسَبٍ أَوْ حديدٍ!
 (٢) الْحَنيفُ هُوَ التَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ!
 (٣) الرَّجُلُ عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ فَوْقَ الْجِدْعِ!
 (٤) الْقَاسُ آلَةٌ ذَاتُ يَدٍ مِنَ الْحَسَبِ وَ سِنَّ عَرِيضَةٌ مِنَ الْحديدِ!

- (١) قَرَأْتُ كَثِيرًا مِنَ الْقِصَصِ وَ الرِّوَايَاتِ عِنْدَمَا كُنْتُ صَغِيرًا.
 (٢) أَظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الرِّجَالَ يَجْتَهِدُونَ فِيمَا يَقُولُونَ.
 (٣) هَؤُلَاءِ الشَّبَابُ يُحَاوِلُونَ أَنْ يُحَقِّقُوا أَهْدَافَهُمْ.
 (٤) نَحْنُ نُرَاقِبُ شُرُوقَ الشَّمْسِ كُلَّ يَوْمٍ.

- (١) لَمْ تَحْضُرْ أُخْتِي فِي الصِّيَافَةِ هَذِهِ اللَّيْلَةَ لِأَنَّ أُمِّي لَا تَسْمَحُ لَهَا بِالذَّهَابِ إِلَيْهَا! ← النَّافِيَةُ
 (٢) الْفَرِيقُ الثَّانِي فَقَدَ ذَهَبَ إِلَى أَنَّ أَشْعَارَ الشَّاعِرِ يَجِبُ أَنْ لَا تَأْخُذَهَا عَلَى الْمَعَانِي الظَّاهِرِيَّة! ← النَّافِيَةُ
 (٣) جَاءَ الْإِسْلَامَ يَطْلُبُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَنْ لَا يَعْْبُدُوا الْأَصْنَامَ وَ لَا يَتَفَاخَرُوا عَلَى الْفُقَرَاءِ ← النَّاهِيَةُ
 (٤) لَا تَطْلَمْ كَمَا لَا تُجِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ أَحْسِنْ كَمَا تُجِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ! ← النَّاهِيَةُ
 "ليتني كنت قد تعلمت منك أن لأحزن على كل أمر مكروه أواجهه، و لو كان كبيراً!":

- (١) كَاشَ از تو آموخته بودم که بر هر امر ناپسندی که با آن مواجه می‌شوم غمگین نگردم، اگرچه بزرگ باشد!
 (٢) شاید از تو آموخته باشم که به خاطر هر آنچه از ناپسندی‌ها به من برسد حتی اگر بزرگ باشد، ناراحت نباشم!
 (٣) کاش محزون نشدن را بر هر امر ناملایمی که با من مواجه می‌شود از تو یاد می‌گرفتم، ولو بزرگ باشد!
 (٤) شاید غم نخوردن را برای آن ناخوشایندی که به من خواهد رسید باوجود بزرگ بودن، از تو بیاموزم!

- (١) فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ لِطَبِيبٍ يَعَالِجُ الْمَرْضَى!
 (٢) لَا أَحَبُّ أَنْ أَصْبِحَ طَبِيبًا وَ لَا مَعْلَمًا!
 (٣) لَا تَكُنْ كَالَّذِينَ يَبْطَلُونَ صَدَقَاتِهِمْ بِالْمَنِّ!
 (٤) لَا تَخَالَفْ كَلَامَ الْحَقِّ فَتَكُونَ عَاقِبَتَكَ النَّدَامَةَ!

- (١) كَانَتِي لَا فُرْصَةَ لِي الْآنَ لِلْمَطَالَعَةِ!
 (٢) الْمَعْلَمُ لَا يَفْرَقُ بَيْنَ تَلْمِيزٍ وَ تَلْمِيزٍ آخَرَ!
 (٣) لَا بَلُوغًا لِلْكَسْلَانِ إِلَى أَمَانِيهِ!
 (٤) هُوَ انْسَانٌ لَا يَشْعُرُ بِالْخَوْفِ وَ الْيَأْسِ!